



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در بحث قبل ما مطلبی از صاحب جواهر نقل کردیم که در اول جواهر فرموده: "إني قد رأيت (كتاب الشرائع) قرآنا في الأحكام الشرعية ، وفرقانا في العلوم الفقهية" سپس ایشان می فرماید من می خواستم شرایع را شرح کنم: "لكن العوائق تمنعني والحوادث تردعني ، غير أني قابلتها:

بعزيمة دونها العيوق منزلة / وساعد ليس ثنية الملمات

جواهر واقعا یکی از عجائب روزگار است و توفیق بزرگی از جانب خداوند برای صاحب جواهر می باشد به طوری که علماء رجال می گویند اگر ما قرن سیزدهم که صاحب جواهر در آن می زیسته را قرن جواهر بنامیم شایسته است چون در آن قرن کتابی از جواهر عجیب تر نوشته نشده خلاصه جواهر کتاب بسیار مهمی است و برای ما طلبه ها داشتن و مراجعه به آن خیلی لازم است و بدون مراجعه به جواهر و آشنائی با جواهر کسی نمی تواند فقیه و مجتهد بشود، علی ای حال برخی از آقایان در مورد شعری که صاحب جواهر در اول جواهر ذکر کرده پرسیدند، صاحب جواهر در اول جلد ۱ تعریف و تمجید از شرایع کرده که به عرضتان رسید و همچنین از فقه و فقهاء و اهل بیت علیهم السلام و توجه به آنها بسیار تعریف کرده و اما در پایان جلد آخر جواهر نیز فرموده برای نوشتن جواهر به ائمه علیهم السلام و خصوصا حضرت امیر علیه السلام متوسل شده بودم و خدا را شکر می کنم که این توسل من مورد توجه قرار گرفت و بعد عقیده خودش نسبت به حضرت امیر علیه السلام را بیان می کند و بسیار تمجید می کند که ما باید این اعتقاد و ایمان را از صاحب جواهر یاد بگیریم.

صاحب جواهر بسیار متواضع بوده هر شب در نجف بعد از نماز مغرب و عشاء به کنار قبر صاحب مفتاح الکرامه و شیخ جعفر کاشف الغطاء که استادش بوده می رفته و برای آنها فاتحه می خوانده و بعد به منزل می رفته، در بعضی جاها نوشته که در شب ۲۱ ماه مبارک رمضان که مردم مشغول عبادت هستند من عبادتم را متمرکز در نوشتن جواهر می دانستم و به اندازه ای به اهل بیت علیهم السلام عقیده داشته که می فرموده من حاضرم تمام زحماتی که در نوشتن جواهر متحمل شدم بدهم و آن ثواب اشعار شیخ کاظم اُزری را به من بدهند، شیخ کاظم اُزری یکی از شعراء و ادباء بسیار خوب عرب است که تقریبا هزار شعر درباره اهل بیت علیهم السلام گفته و قبر او نیز در کاظمین و روبروی قبر امامین جوادین علیهما السلام می باشد، اشعار شیخ کاظم به اندازه ای از نظر معنی و مفهوم و فصاحت و بلاغت بالا بوده که هرگاه در حضور سید بحرالعلوم می خواندند برای تعظیم اشعارش ایستاده گوش می داد، مثلا اهل تسنن درباره خلافت وصیت نکرده و خود هرکس را انتخاب کنند خلیفه می باشد اما شیخ کاظم اُزری اینطور می فرماید:

أني بلا وصي تعالى / عما يقوله سفهاها

درباره عایشه که سنی ها می گویند چندین هزار حدیث حفظ بوده اینطور می گوید:

حَفِظْتُ أَرْبَعِينَ أَلْفَ حَدِيثًا / وَ مِنَ الذِّكْرِ آيَةٌ تَنْسَاهَا؟

خلاصه این جواهر و عظمت جواهر می باشد.

خب واما در مورد معنای شعری که صاحب جواهر در اول جواهر ذکر کرده، بنده در کتابی که بنام "دانش عصر فضا" دارم درباره بدست آوردن فاصله ستارگان از لحاظ مسافت با همدیگر نوشته ام که برای سنجیدن فاصله ها گاهی مکان و گاهی زمان در نظر می گیرند مثلا می گویند از قم تا تهران ۱۵۰ کیلومتر می باشد که معیار در اینجا مسافت مکانی است اما گاهی می گویند از قم تا تهران دو ساعت می

باشد که معیار در اینجا رمان می باشد، علماء علم هیئت دیدند مسافت ها خیلی طولانی است، قدماء میزان سنجش مسافتشان پای شتر بود مثلاً می گفتند از زمین تا آسمان اول ۵۰۰ سال به اندازه پای شتر فاصله می باشد و همینطور حساب می کردند تا فلک نهم و بعد در هیئت جدید آمدند و آن چیزی که سریع الحركة بود را به عنوان میزان برای سنجش انتخاب کردند لذا آمدند و نور را به عنوان میزان برای سنجش مسافت انتخاب کردند و گفتند نور در هر ثانیه ۳۰۰ هزار کیلومتر راه را طی می کند و بعد این را در ۶۰ ثانیه ضرب کردند و یک دقیقه نوری را بدست آوردند و بعد در ۶۰ دقیقه ضرب کردند و یک ساعت نوری را بدست آوردند و بعد در ۲۴ ساعت ضرب کردند و یک روز نوری را بدست آوردند و بعد در ۳۶۵ روز ضرب کردند و یک سال نوری را بدست آوردند و این را معیار قرار دادند، نزدیک ترین ستاره به زمین پروکسیما می باشد و عیوق ۴۷ سال نوری از زمین فاصله دارد و هکذا، خلاصه امروز معیار برای تعیین مسافت ها سال نوری می باشد و عیوق که در شعر صاحب جواهر ذکر شده ۴۷ میلیون سال نوری با زمین فاصله دارد.

صاحب جواهر در بحث ما (بیع وقف) مطلبی بر خلاف کلام فقهاء دارد که باید بخوانیم، ایشان می فرماید هر چیزی که وقف شد حدوداً و بقائاً آن عنوان مذکور در وقف معیار و ملاک وقف است و دیگر صورت شخصیه و نوعیه و جنسیه اعتباری ندارند لذا اگر خصوصیت مذکور در عنوان وقف از بین رفت وقف تمام شده و مثل منقطع الآخر می باشد مثلاً این حصیر وقف شده برای اینکه در مسجد زیر پا بیاندازند حالا اگر اینطور نشد نمی توانیم بفروشیم و بعد ایشان رفته به سراغ این بحث که در صورت مذکور باید آن حصیر را چه کنیم، آیا باید به واقف بدهیم یا به ورثه واقف یا به موقوف علیهم بدهیم؟ مدرک ایشان

نیز همان اخباری است که فقهاء ما به آنها اعتماد کرده و آن طور فتوی داده اند می باشد.
بقیه بحث یماند برای بعد إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی
محمد و آله الطاهیرین